

## عنوان مقاله:

مدرنیته متاخر و تحول مفهوم سیاست

## محل انتشار:

هفتمین کنفرانس بین المللی علوم سیاسی، روابط بین الملل و تحول (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 11

## نویسنده:

محمدتقی شریعتی شیری - دانشجوی دکتری جامعه شناسی سیاسی دانشگاه تهران

## خلاصه مقاله:

بسیاری از جامعه شناسان بر این باورند که به عصر جدیدی گام نهادهایم که «مدرنیته متاخر» یا «مدرنیته بازتابی» می نامند؛ عصری با پیچیدگی فزاینده که حکایت از تغییرات فرآیندهای فرهنگی و سیاسی دارد؛ اما جایگاه سیاست در این نوع از مدرنیته چیست؟ سوالی که در این پژوهش سعی داریم به آن پاسخ دهیم. شهروندان بیش از پیش نقش بازتاب دهندگی می یابند؛ بی تفاوت نیستند، اما بعید است مستقیماً با دولت درگیر شوند. افزون بر این، آنها هیچ علاقه ای به خلق شکل جدیدی از نمایندگی منافع خود ندارند و علاقه کمتری به سیاست حزبی نشان میدهند. از این رو، دیگر احساس وظیفه یا ایدئولوژی نیست که آنها را هدایت کند، همچنین علاقه ای به اثرگذاری ندارند، بلکه خواستار این هستند که احساس خود را درگیر کرده و توسعه دهند. به طور کلی سیاست در مدرنیته متاخر ویژگی متعددی دارد که میتوان به گذر از جامعه صنعتی به جامعه شبکه ای، گذر از سلسله مراتب به عصر شبکه ها، میان تھی شدن دولتها، فرسایش سرمایه اجتماعی، شکل گیری جنبشهای اجتماعی جدید، گذر از سیاست سیاستگذاری به سیاستگذاری سیاسی، سیاست زندگی، جامعه سیال و شهروندی جدید اشاره کرد.

## کلمات کلیدی:

مدرنیته متاخر، سیاست، حکمرانی.

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1320115>

